

شد قوی تر ساخته شده و عملکرد پدافند هوایی را به مردم معرفی خواهند کرد.

هادی محمدپور:

هایپاور به چشم انداز و هدفش رسیده است

برای آشنایی بیشتر مخاطبان لطفاً مختصری از فعالیت های خودتان بگویید

من تله فیلمی به نام رد پای شغال دارم که فیلم کمدی است و هیچ ارتباطی با حوزه دفاع مقدس ندارد و بازیگرانش هم خانم پرستو صالحی و آقای میر طاهر مظلومی و آقای بابک نهرین بودند و چند کار کوتاه با نام های آلازایمر، یک لحظه از زندگی، ماهی های خاکی، مستند سفر به قطعه ای از بهشت و دست بالای دست و چند کار دیگر بعد از اینها به سراغ سینمایی بلند رفتم و هایپاور.

طی صحبت های آقای خاکباز متوجه شدم که جزو کادر ارتش هستید علاقه شما به سینما و آغاز این راه از کجا بود؟

من همزمان که در دانشگاه هوایی دانشجوی دانشکده افسری بودم معمولاً بعد از ظهرها و پنجشنبه، جمعه ها تفریح مان رفتن به سینما و تئاتر بود. اواخر دوران دانشجویی من در دوره های بازیگری هلیا فیلم شرکت کردم و شاگرد آقای سپهر محمدی بودم و ایشان مرا به شهاب عباسی معرفی کردند و مدتی از آیتام نویسان خنده بازار بودم ولی با توجه به شرایط کاری نمی توانستم با ساعت آفیش کاری آنها که ساعت ۳ بعد از ظهر تا ۳ صبح بود هماهنگ شوم و باید شب به خوابگاه برمی گشتم بعد از آن در دانشگاه آزاد تهران مرکز کارگردانی تئاتر خواندم و به همین شکل تا به امروز ادامه پیدا کرد.

سخت ترین بخش ساخت فیلم هایپاور به عنوان اولین تجربه فیلم بلند سینمایی برای شما چه بود؟

با توجه به اینکه کار پروداکشن سنگینی داشت ما هر چه اراده می کردیم نیروی پدافند ارتش در اختیارمان می گذاشت اما بخاطر وجود بروکراسی اداری ما فقط یکبار شانس این را داشتیم که در خواست بدیم ولی در سینما وقتی یک پلان اشتباه برداشت می شود یا مورد پسند کارگردان قرار نمی گیرد با تکرار به نتیجه مطلوب می رسند که با توجه به شرایطی که گفتیم اگر در آن بازه زمانی که ارتش در اختیارمان گذاشته بود به نتیجه مد نظر نمی رسیدیم آن امتیاز را از دست می دادیم و فرصت آزمون خطای کمی داشتیم. مسئله دیگر این بود که ما با پرسنلی همکاری می کردیم که در حرفه خود خبره بودند اما تخصصی در زمینه بازیگری، هنر و سینما نداشتند و این طبیعتاً کار ما را سخت می کرد مثلاً دوربین گوپرو را داخل کابین بسته بودیم و اکت هایی به خلبانان می دادیم، آنها باید در آسمان در جایی که من به عنوان کارگردان حضور نداشتم آن را اجرا می کردند و این کار را دشوار می کرد و تنها یکبار فرصت چنین کاری را داشتیم. در این میان به صورت ناگهانی ماموریت هایی به این دوستان سپرده می شد یا سفر رییس جمهور به اصفهان پیش آمد و حتی رزمایشی به طور همزمان در انارک اصفهان برگزار شد و دو خلبانی که ما با همکاری می کردند در سانحه ای که پیش آمد شهید شدند و این تاثیر منفی بر روند کار ما گذاشت.

در مورد کست فیلم هایپاور بگویید.

کست را بر اساس بودجه ای که در اختیار داشتیم بستیم. به هر حال هر کارگردانی دوست دارد با بهترین ها کار کند ولی خب شرایطی هست که بودجه کم است یا عواملی که تمایل به همکاری داریم در گیر پروژه های دیگری هستند. از صحنه و لباس گرفته تا بازیگر و تصویر بردار تا باقی عوامل. همه اینها باعث شد تا با مشورت تهیه کننده و پیشنهاد بنده جلو برویم خب از برخی انتخاب های مان راضی بودیم و از برخی نه اما تجربه بسیار خوبی بود که دیگر این آزمون و خطاها تکرار نشوند.

در مورد بخش جلوه های ویژه کار بگویید.

در نسخه اولیه بخش جلوه های ویژه به شکل دیگری بود که با پیشنهاد دوستان سازمان سینمایی مبنی بر اصلاح این مسئله ما از آقای سعید خلیلی دعوت کردیم و ایشان با توجه به زمان کمی که در اختیار داشتند که حدوداً یک هفته بود به نظر کار قابل قبولی ارائه کرده اند. ایشان پلان هایی که مد نظر بود را با جلوه های ویژه بصری زنده کردند و جلوه های میدانی را هم که خودتان در فیلم می بینید. این فیلم هفتاد درصد جلوه های میدانی و سی درصد جلوه های ویژه بصری داشت که من به طور کل از آن راضی بودم.

هر کارگردانی برای فیلمش افق و هدفی تعریف می کند آیا شما به این تعریف خود رسیده اید؟

بله هایپاور به چشم انداز و هدفش رسیده چرا که ما دوست داشتیم فیلمی بسازیم تا جوانان و نوجوان و مردم بدانند که چه شخصیت هایی ما داشتیم و چه کارهایی کرده اند و حتی ارتش چه

کارهایی کرده با اینکه در جنگ رسانه نداشته و اگر پرچمی همچنان در اهتزاز است بخاطر کدام عملیات ها و عملکرد چه کسانی بوده است که فکر می کنم به این هدف هم رسیده ایم. از طرفی موضوع کمی پیچیده و تخصصی و نحوه نشان دادن آن بسیار سخت بود ولی با توجه به باز خوردی که از فرماندهان داشتیم برایم روشن شد که این روشی که برای مطرح کردن موضوع انتخاب کرده بودیم درست بوده و مردم هم با دیدن این فیلم در می یابند که در تاریخ بی سابقه بود که در عرض بیست روز بیش از هفتاد و هشت هواپیما رازده بودند و اینها اهدافی بود که نیروی پدافند هوایی می خواست به آنها برسد و اخیراً هم با مراسم تقدیری برای عوامل فیلم بر گزار کردند مهر تاییدی بر این موضوع زدند.

سخن پایانی

فکر می کنم که مقایسه کردن فیلم ها با هم درست نیست بخصوص بدون در نظر داشتن بودجه ساخت آنها. اگر نصف بودجه فیلم های که در دو سه سال اخیر در حوزه دفاع مقدس ساخته شده اند را در اختیار می داشتیم مسلماً اثر بسیار بهتری ارائه میدادم و این مقایسه کمی انسان را می آزارد. البته منتقدان هم تقصیری ندارند من در نشست خبری جشنواره هم اشاره کردم که طبیعتاً اگر منتقدان هم به رازهایی که بین من و خدا و تهیه کننده است واقف بودند حتماً به من نمره خیلی بالایی برای اینکار می دادند. خواهشی هم از ارگان هایی که بانی این کار هستند و اساساً کارشان حمایت از آثار دفاع مقدسی و پرتره شهدا است دارم. به سمت شهدای سرشناس دیگر نروند چرا که این افراد برایشان کارهایی انجام شده و مردم آنها را می شناسند ولی خانواده شهدایی که سرباز بوده اند یا گمنام مانده اند و باقی این عزیزان هم دل دارند و دوست دارند که فدکاری عزیزانشان دیده شود چرا که همه این عزیزان با یک نیت به جبهه های جنگ رفته بودند.

اتابک نادری

هدفم تکمیل تصویر ذهنی مخاطب است

کدام ویژگی فیلمنامه باعث شد تا بازی در هایپاور را بپذیرید؟

من دوستدار این هستم که زندگی و عملکرد نوابغ ما ثبت شده و از آنها کار ساخته شود پرداخت به این دست موضوعات در سینمای جهان زیاد و متأسفانه در سینمای ما کم است. این اثر هم شخصیت محور بود و درست آن وجه شهید ستاری را که به نبوغ و عملکرد خاص او مربوط بود روایت می کرد. در واقع وجه قهرمانانه شهید را بواسطه تخصصش به تصویر می کشید و اینها دلایلی بود که این نقش را پذیرفتم.

آیا تفاوتی میان بازیگری آثار دفاع مقدس با باقی آثار هست؟

من گله ای از هم صنفان و جامعه رسانه و همکاران مطبوعاتی مان دارم که برای بازیگران یک مرزبندی قائل شده اند که نمی دانم ناخواسته است و یا از روی یک جریان فکری. مرزبندی به معنای نام گذاری مثلاً اینها بازیگر سینما هستند و آنها مثلاً بازیگران پلتفرم هستند و غیره. به نظر من بازیگران تئاتر و تصویر و سینما در یک قالب هستند فقط سینما و تلویزیون ریزه کاری های خاص خود را دارند. بنابراین ما نمی توانیم بگوییم که این بازیگر برای جغرافیای سینما است و لاغیر. من هیچ تفاوتی برای مسئله قابل نیستم که بازیگری در ژانر دفاع مقدس با بازیگری برای ژانر اجتماعی فرق می کند. بازیگر به عنوان یک هنرمندی که باید به آن کارا کتر جان ببخشد نقش آفرینی می کند. حال در مورد دفاع مقدس موضوعات خاص تر و نگاه متفاوتی وجود دارد و خود دفاع مقدس هم بسته به آنکه به کدام بعد از مسئله می پردازد ژانرهای متفاوتی دارد. ما در یک درام اجتماعی از کارا کتر هیچ شناختی جز آنچه در فیلم ارائه می شود نداریم اما در سینمای دفاع مقدس و کارهای جنگی یک پیش زمینه ای وجود دارد. مخصوصاً در مورد قهرمانان جنگ مخاطب یک آگاهی پیشین دارد. به عنوان یک بازیگر تنها تفاوتی که می بینم این است که در این ژانر ما باید به کارا کترهایی جان دهیم که زندگی کرده اند، ما به ازای حقیقی دارند و مردم آنها را می شناسند، پس باید با احتیاط به آنها نزدیک شویم تا حق مطلب را ادا کنیم. ما تلاش می کنیم به تصویر ذهنی تماشاگران از قهرمانان جنگ احترام بگذاریم و آن را تکمیل کنیم. مثلاً ما شهید ستاری را اواخر مدام در یونیفرم آبی و شیک تشریفاتی دیدیم اما این انسان بسیار متواضع و به گفته دوستان و همزمان همیشه در سایت های موشکی بوده و لباس به اصطلاح خاکی که همان لباس کار است تن شان بوده است. به عنوان بازیگر سعی کردم در این فیلم تصویر دیگری به تصویر ذهنی مخاطب اضافه کنم تا این فیلم بتواند تعریف کاملتری از ایشان ارائه کند.

و اگران شده فیلم خوبی است و مردم می توانند با آن ارتباط برقرار کنند درست مانند فیلم هایی که به هزینه های بسیار بالاتر در حوزه های دیگر ساخته شده و توقع من از مردم این است که این فیلم را با خودش مقایسه کنند. یعنی اینکه این فیلم در حوزه نبرد هوایی ساخته شده که یک حوزه خاص است و بخشی است که در حوزه پدافند هوایی کمتر یا بهتر است بگویم اصلاً کار نشده است. با نگاهی به کل فیلم هایی که در تاریخ چهل و پنج ساله انقلاب مان ساخته شده می بینیم که پرداخت به این حوزه بسیار اندک در حد یک سکانس جوری که مخاطب اصلاً متوجه این نمی شود که این عملکرد متعلق به پدافند هوایی بوده اما این فیلم پایه ساخت پدافند هوایی در کشور است که ان شاء الله فیلم های بعدی هم که با همین نگاه ساخته خواهند